

نکته‌ای چند در باره
تصانیف قدیمی ایران

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در چند شماره قبل این مجله اشعاری از چند تصنیف قدیمی شیرازی و گیلکی مشاهده شد که توسط آقای ذکا، تهیه و درج شده بود و حاکی از علاقه‌ای است که آقای ذکا به فولکلور قدیم ایران دارند.

در ایامیکه ما توجهی به فولکلور خود نداشتیم عده‌ای از مستشرقین و خارجی‌ها ضمن مسافرت به کشور ما مقداری از تصانیف و ترانه‌های متداول را جمع‌آوری و بعنوان نمونه در کتابهاییکه راجع به کشور ما بچاپ رسانیده‌اند درج نموده‌اند. این کتابها که تعداد آنها نیز معدود میباشد نظر اهل فن را جلب میکند.

اما قضاوت در باره ارزش این نوشته‌ها و تصانیف مندرج و اصالت آنها قدری مشکل است زیرا مؤلفین این کتابها، اگرچه اغلب از مستشرقین معروف بوده‌اند، ولی مسلماً در باره کیفیت و صحت این تصانیف تحقیقات کافی و عمیق که لازمه بدست آوردن نمونه اصیل ترانه‌های فولکلوریک است ننموده و مأخذ آنها اغلب بکنفر خواننده و راوی زمان بوده است و ترانه‌ها نیز غالباً بدون تحقیق برشته تقریر درآمده. همین جهت اغلب در نوشته و ترجمه اشعار اغلاطی مشاهده میشود که گاهی

بکلی معانی اشعار را تغییر داده است بخصوص آنکه این اشعار باخط فارسی که خود مؤلف بدرستی بر آن مسلط نبوده بچاپ رسیده است.

موضوع مهتر در مورد این تصانیف آنست که نویسندگان کتابهای فوق الذکر بعلمت آنکه خود وارد بطن موسیقی و نوشتن نبوده اند باصل موضوع یعنی آهنگ این تصانیف توجهی ننموده و این خود تا حد زیادی از ارزش این نوشته ها کاسته است بطوریکه اگر بیک ترانه و تصنیف که باسبک امروز بانوت آن نوشته شود نمره ۲۰ بدهیم باید برای این اشعار و تصانیف نمره ۵ قائل شد. و فقط از این تصانیف و نوشته ها میتوان بعنوان راهنما برای بدست آوردن اصل آن از محفوظات مردم استفاده نمود. بعقیده اینجانب، ما منبعی گرانبهارتر و پرازش تر از چند کتاب مصنفین خارجی داریم که کثر بآن توجه میشود و آن محفوظات و اطلاعات مردم نقاط دوردست کشور است که به تصدیق عموم محققین و علاقمندان بفولکلور یکی از اصیلترین و مهترین سرچشمه جمع آوری آثار گذشته و فولکلور ملتها میباشد. بطوریکه اغلب میتوان آثار فولکلوریک صدها سال پیش یک ملت را باتمام خصوصیات اعم از آهنگ و اشعار و حتی حالات مختلف اجرای آن را بدست آورده و باوسائل فنی امروزه جمع آوری و مورد تحقیق و مطالعه قرار داد و بانیت و ضبط آنها ادبیات محلی و ملی و تاریخ قدیم آن کشور را زنده و روشن نمود.

صداخانه ملی اداره کل هنرهای زیبا در حدود امکانات و مقدرات خود در این چندسال که از تأسیس آن میگذرد اقدامات مهم و جدی در مورد جمع آوری و ضبط و نگهداری این آثار و سنن ملی کشور بعمل آورده و آنچه که تاکنون در آرشبوهای این مؤسسه وجود دارد شایان توجه در نظر اهل فن است. زیرا صرف نظر از وسائل فنی و مدرن که در جمع آوری آنها بکار رفته این آثار توسط اشخاصی در محل جمع آوری شده که خود ایرانی بوده و بخصوصیات اخلاقی و احساسات ملی خو گرفته و به علاوه از متخصصین فن فولکلور و موسیقی بهره اند و باز حیات زیاد و علاقه فراوان اوقاتی را برای انجام اینکار اختصاص داده و از همان منبع ذیقیت آثاری پرازش و گرانبها بدست آورده اند و با ماسعی آنهاست که آرشبو آهنگهای صداخانه ملی بوجود آمده است. اما در مورد «یک تصنیف ۱۲۰ ساله کیلیکی»، همانطوریکه نویسنده مقاله مرقوم داشته اند در اغلب نقاط کشور بخصوص صفحات شمالی ایران از چندروز قبل از عید نوروز عده ای (که اکنون اغلب از سه نفر تجاوز نمیکنند) بدرخانه ها میروند و اشعاری را که اغلب خود ساخته و پرداخته اند بنظور مؤثره بهار و تسجیل از عید نوروز میخوانند. این سنت نوروزخوانی نام دارد. ایات مزبور اغلب شکل ترجیع بندی دارد که آنرا دسته جمعی میخوانند. صاحبان خانه از دادن پول و یا خوردنی باین اشخاص خودداری نمی نمایند.

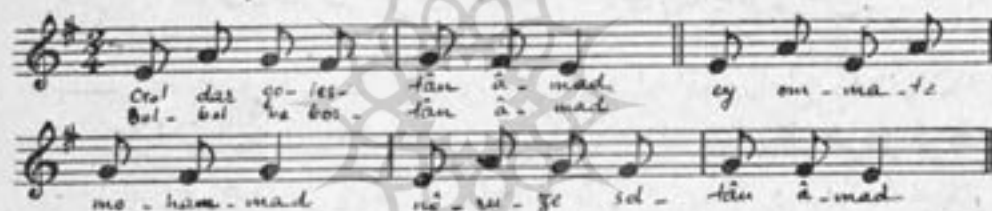
نوروزخوانی یک سنت قدیمی است که مسلماً قبل از استیلای اعراب در ایران معمول

بوده است.

اغلب ترانه‌هایی که امروز توسط نوروژ خوانان خوانده میشود قدیمی است و تاکنون چند نوع نوروژ خوانی در نقاط مختلف کشور شنیده و نوشته شده است. دو نمونه زیر از نوروژ خوانی است که در صفحات گرگان و مازندران هم اکنون معمول است :



بهار آمد که مرغان در فغانند امیر ارسلان را نوحه خوانند



گل در گلستان آمد، بلبل بهستان آمد ایامت محمد، نوروژ سلطان آمد

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

لطف اله مبشری

رتال جامع علوم انسانی